


The Impact of the Assassination of Ismail Haniyeh on the Securitization of the Persian GulfSadegh Shafiei¹ 

Received Date: 2024/09/26

Accept Date: 2024/12/14

 10.27834/CSIW.2409.1447.1.36.10**Abstract**

Amid the division among Islamic countries over the "two-state" or "one-state" solution for Palestine, Israel's assassination of Ismail Haniyeh aimed to avoid peace with the Palestinians, stall negotiations with Hamas over prisoner exchanges, and, with the help of the American coalition, control the potential responses from Iran and resistance groups. This issue led to the securitization of the Persian Gulf by both Iran and Western countries, particularly the United States, as seen in previous periods. Using a descriptive-analytical method, this research addresses the central question: What impact did the assassination of Haniyeh have on Iran's foreign policy and the securitization of the Persian Gulf? The findings indicate that the assassination of Haniyeh, as the most prominent figure in Hamas, escalated the security environment in the Persian Gulf region. This, in turn, set the stage for an enhanced level of regional deterrence by both Iran and the United States in the Persian Gulf to prevent military tensions.

Keywords: Ismail Haniyeh, Persian Gulf, United States, Iran, Israel

¹. Assistant Professor , Department of Islamic Education, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran. sgh.shafiei@gmail.com

Cite: Shafiei, S. (2025). The Impact of the Assassination of Ismail Haniyeh on the Securitization of the Persian Gulf. *Crisis Studies of the Islamic World*, 12(1), 201- 219





تأثیر ترور اسماعیل هنیه بر بحران امنیتی شدن خلیج فارس

صادق شفیعی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

doi:10.27834/CSIW.2409.1447.1.36.10

چکیده

در میان دو دستگی کشورهای اسلامی بر سر راه حل «دو کشوری» یا «یک کشوری» فلسطین، اسرائیل با ترور اسماعیل هنیه تلاش کرد تا از صلح با فلسطینی‌ها خودداری کرده، موضوع ایجاد کشور مستقل فلسطین را برای همیشه اذهان دولت‌ها پاک کند و به تمامیت خواهی خود در سرزمین اشغالی استمرار بخشد. ضرورت پاسخ ایران به این ترور باعث شد که خلیج فارس از طرف ایران و همچنین از طرف کشورهای غربی به ویژه آمریکا، بیش از پیش وارد فضای امنیتی شود. این پژوهش به این سؤال اصلی می‌پردازد که ترور هنیه چه تأثیری بر سیاست خارجی ایران و امنیتی شدن خلیج فارس داشته است؟ یافته پژوهش آن است که با ترور هنیه به عنوان مهم‌ترین چهره حماس، فضای امنیتی در منطقه خلیج فارس گسترش پیدا کرد و این مسئله زمینه‌ساز ارتقای سطح بازدارندگی منطقه‌ای از سوی ایران و ایالات متحده در خلیج فارس برای جلوگیری از تنش‌های نظامی گردید. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، استفاده از مجلات تخصصی و سایت‌های معتبر اینترنتی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده است.

واژگان کلیدی: اسماعیل هنیه، خلیج فارس، آمریکا، ایران، اسرائیل

^۱ استادیار گروه معارف، علوم انسانی، دانشگاه آیت اله العظمی بروجردی، بروجرد، ایران.
sgh.shafiei@gmail.com



مقدمه

خلیج فارس به عنوان یک راه آبی و دریایی از همان سپیده دم تاریخ، ارزش فراوانی داشته و به مثابه برخوردگاه تمدن‌های بزرگ خاورباستان پیشینه‌ای چندین هزار ساله دارد. خلیج فارس با ۵۶۵ میلیارد بشکه نفت خود که معادل ۶۳ درصد کل ذخایر نفتی شناخته شده جهان است، ۳۰/۷ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی که برابر ۲۸/۵ درصد کل ذخایر شناخته شده گاز دنیا است، بی‌تردید بزرگ‌ترین و مهم‌ترین انبار انرژی جهان محسوب می‌شود. این موقعیت برای دهه‌های طولانی دوام خواهد داشت. یکی از عوامل مهمی که نفت و گاز خلیج فارس را برای ایالات متحده، اروپای غربی و ژاپن بسیار حیاتی می‌کند، دشواری بسیار در جایگزینی نفت و گاز وارداتی آن با سایر منابع انرژی مانند خورشید، دریا و هیدروژن است (Abdullah Khani, 2024: 13). اهمیت این منطقه امروزه باعث شده است که هر کدام از کشورهای ذی نفوذ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از تمام ابزارهای خود به منظور رسیدن به منافع ملی خود استفاده کنند. امروزه یکی از مهم‌ترین کشورهایایی که در صدد حفظ امنیت در منطقه خلیج فارس می‌باشد، جمهوری اسلامی ایران است. اختلافات موجود این کشور با کشورهای غربی سبب بروز تنش‌هایی شده است. ایالات متحده آمریکا، هزینه زیادی به منظور تأمین منافع ملی خود در خاورمیانه و خلیج فارس صورت داده است و از طرفی تحرکات ایران باعث شده که کاخ سفید موقعیت خود را در خطر ببندد و در صدد امنیتی شدن خلیج فارس به وسیله متحدان منطقه‌ای خود باشد (Cook, 2019: 1-6).

پس از ترور اسماعیل هنیه در تهران، بیش از هر زمان دیگر تنش میان ایران به همراه محور مقاومت با رژیم صهیونیستی تحت حمایت کامل آمریکا، موقعیت امنیتی خلیج فارس را تحت تأثیر خود قرار داده که باعث امنیتی شدن این منطقه شده است. تنش در خلیج فارس در حال افزایش است؛ تا جایی که آمریکا برای جلوگیری از توقیف نفتکش‌های تجاری و تأمین منافع ملی خود در منطقه از ترس حمله نظامی جمهوری اسلامی ایران، نیروهای هوایی و دریایی بیشتری را مستقر کرده است. استقرار این نیروها منجر به ایجاد نگرانی مجدد از درگیری بین ایالات متحده و ایران شده و با درگیری دیگری در ۳۵ سال پیش مقایسه شده است (Binar FK, 2024: 2-8).

جمهوری اسلامی ایران بعد از ترور اسماعیل هنیه، صرف نظر از هرگونه اقدام نظامی علیه تالابو، تلاش دارد ابتدا اقتدار و قدرت نظامی خود را در خلیج فارس به نمایش گذارد تا به مانند جنگ تحمیلی، کشورهای منطقه نفوذ و قدرت نظامی تهران را ضعیف قلمداد نکنند و آب‌های تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را در اختیار کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی قرار ندهند. این مسئله باعث شد که تهران قدرت خود را در خلیج فارس و آب‌های تحت حاکمیت خود، بیش از هر زمان دیگر افزایش داده و نیروی نظامی بیشتری مستقر نماید. این مهم باعث شد

که کشورهای حامی رژیم اشغال‌گر قدس اقدام مذکور را تهدید علیه امنیت منافع و انرژی قلمداد کنند.

سفر ژنرال مایکل کوریلای مسئول نیروهای آمریکایی در خاورمیانه به منطقه قبل از تشدید تنش اخیر بین اسرائیل با ایران و حزب الله برنامه‌ریزی شده بود و یا به عبارت دیگر ترور اسماعیل هنیه با چراغ سبز این کشور انجام شده است. این مسئله باعث ایجاد یک نوع آمادگی قبلی توسط کاخ سفید و هم پیمانان منطقه‌ای آن شده است. هدف کوریلای از این سفر، بسیج ائتلاف بین‌المللی و منطقه‌ای که از اسرائیل در برابر حمله ایران دفاع می‌کنند بوده است. پنتاگون اعلام کرد که ایالات متحده در حال تقویت نیروهای خود در خاورمیانه برای آماده شدن در مقابل حمله احتمالی ایران به اسرائیل است و کشتی‌های جنگی و جنگنده‌های بیشتری را به منطقه و خلیج فارس می‌فرستد، جایی که آنها قدرت مانور و نفوذ دارند (Mughrabi, 2024: 13; &Hafezi).

مقامات آمریکایی برای توجیه حضور نظامی خود در خاورمیانه و خلیج فارس مدعی هستند که با این اقدامات، امنیت منطقه را برای کشورهای حاشیه خلیج فارس و عبور کشتی‌های سراسر جهان تأمین می‌کنند. این در حالی است که جمهوری اسلامی نیز بارها تأکید کرده است که این کار بر عهده کشورهای منطقه است و آن‌ها خود قادر به انجام آن هستند و این اقدامات تنها موجب افزایش تنش‌ها در منطقه شده است. به همین منظور بعد از ترور اسماعیل هنیه و حضور پررنگ‌تر نظامی آمریکا با ارسال ناوهای جنگی به این منطقه، دولتمردان تهران هشدار دادند که امنیت منطقه خلیج فارس بر عهده این کشور و همسایگان می‌باشد و به منظور جلوگیری از هرگونه تهدید و تنش نظامی، هر چه سریع‌تر منطقه را ترک و به موضع خود برگردند. مسائل، فرصت‌ها و تهدیدهایی که ممکن است بعد از ترور اسماعیل هنیه برای ایران ایجاد شود باعث شد که تأثیر این تحرکات بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به یک موضوع قابل بررسی و مؤثر تبدیل شود؛ لذا این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، تأثیراتی که ترور اسماعیل هنیه بر امنیتی شدن خلیج فارس داشته را مورد بررسی قرار می‌دهد. به همین منظور اطلاعات لازم را از مقالات، کتب و همچنین منابع به روز لاتین کسب کرده است. سؤال پژوهش این است که ترور اسماعیل هنیه چه تأثیری بر سیاست خارجی ایران و امنیتی شدن خلیج فارس داشته است؟ یافته‌های پژوهش که با استفاده از واقع‌گرایی تهاجمی به دست آمده است، بیان می‌دارد که با ترور اسماعیل هنیه به عنوان مهم‌ترین چهره حماس، جمهوری اسلامی ایران در صدد انتقام و حمله نظامی به رژیم صهیونیستی و حضور نظامی بیش از هر زمان دیگر در خلیج فارس، افزایش بازدارندگی در تنگه هرمز، مانور نظامی غیر عامل و... می‌باشد.

۱- ادبیات تحقیق

مقاله‌ای تحت عنوان «کشتن هنیه می‌تواند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس را تحت تأثیر قرار دهد» توسط بینار فک (۲۰۲۴) انجام شده است. نویسنده در این مقاله ترور هنیه را یک موضوع معرفی کرده است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داده است؛ اما رویکرد کشورهای غربی به این موضوع را مورد بررسی قرار نداده و این مسئله یک بعد مقاله فعلی را تشکیل خواهد داد.

مقاله‌ای تحت عنوان «قتل رئیس حماس در ایران ترس از انتقام را برانگیخته است» توسط مغرابی آل نضال و پریسا حافظی (۲۰۲۴) نوشته شده است. نویسندگان در این مقاله به بررسی تأثیرات ترور اسماعیل هنیه بر تنش منطقه خاورمیانه اشاره کرده‌اند و امنیتی شدن خلیج فارس را بخشی از تنش‌هایی معرفی کرده‌اند که امنیتی شدن این منطقه را ناشی از تنش بین ایران و عربستان می‌دانند و به نوعی تأثیر ترور را به صورت جزئی مورد بررسی قرار داده‌اند. در حالی که مقاله حاضر در صدد است که تأثیرات ترور اسماعیل هنیه بر سیاست خارجی ایران و امنیتی شدن خلیج فارس را مورد بررسی دقیق قرار دهد.

پژوهشی تحت عنوان «به روز رسانی جنگ اسرائیل در غزه: ترس از تشدید تنش پس از کشتن هنیه افزایش می‌یابد» توسط ماری فدریکا (۲۰۲۴) انجام شده است. در این مقاله نویسنده به توسعه تنش بین محور مقاومت و رژیم اشغال‌گر قدس در نتیجه ترور اسماعیل هنیه اشاره کرده و این مسئله را مورد بررسی قرار داده است. در واقع نویسنده تأثیر ترور اسماعیل هنیه را بررسی کرده اما به امنیتی شدن خلیج فارس اشاره ای نداشته است. این درحالی است که عمده تمرکز مقاله حاضر بر این مسئله است.

در مقاله‌ای تحت عنوان «آمریکا در بحبوحه تهدیدات محور تحت رهبری ایران، جنگنده‌ها و کشتی‌های جنگی بیشتری به خاورمیانه می‌فرستد» که توسط استاف تول نوشته شده است؛ اقدامات آمریکا در خلیج فارس و نیز نیروهای نظامی این کشور در خاورمیانه بررسی می‌شوند. نویسنده معتقد است که آمریکا میزان موازنه قدرت خود را در خلیج فارس به منظور حمایت از رژیم صهیونیستی، توسعه داده است اما به واکنش جمهوری اسلامی ایران در برابر این اقدام اشاره‌ای نمی‌کند که عمده تمرکز مقاله فعلی می‌باشد.

در مقاله‌ای تحت عنوان «آمریکا پیش از اقدام تلافی جویانه احتمالی ایران، جنگنده‌ها و کشتی‌های بیشتری را به خاورمیانه می‌فرستد» توسط مارتینز لوئیس و سیلر مت (۲۰۲۴)؛ وی به بررسی واکنش آمریکا در مقابل تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران از رژیم صهیونیستی در مقابل ترور اسماعیل هنیه اشاره کرده است که کاخ سفید به منظور کاهش میزان خسارت ناشی از حمله

تهران به تل آویو، قدرت نمایی خود را با ارسال تجهیزات نظامی به خلیج فارس نشان داده و حمایت‌های خود را از تل آویو اعلام نموده است. در این مقاله به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که عمده تمرکز مقاله حاضر می‌باشد؛ اشاره ای نشده است.

۲- چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر اساس نظریه واقع‌گرایی تهاجمی می‌باشد. مهم‌ترین موضوعی که مورد توجه اکثر واقع‌گرایان قرار دارد، بحث امنیت و یا به عبارت دیگر بقا، حاکمیت و تمامیت ارزی کشور است. بقا مورد نظر واقع‌گرایان، انگیزه اصلی دولت‌ها در سیاست بین‌الملل بوده و از آنجایی که برخلاف ساختار داخلی، ساختار نظام بین‌الملل^۱ آنارشیک است، بدین گونه که هر یک از واحدهای تشکیل دهنده نظام، مسئول امنیت خود هستند و دولت‌ها آزاد می‌باشند تا هر طور که مناسب‌تر می‌بینند به تعقیب اهداف داخلی و خارجی خود همت گمارند (Yazdanfam, 2007: 730). بنابراین، در ساختار هرج‌ومرج‌گونه، خودیاری ضروری‌ترین قاعده محتمل است (Dougherty & Faltzgraf, 2009: 144). موازنه قدرت مؤلفه دیگر مورد نظر واقع‌گرایان است که به عنوان مدلی از سیستم جهانی، گویای جامعه‌ای است در برگیرنده دولت‌ها که در آن همه بازیگران، هویت و استقلال خویش را در جهت ایجاد آن حفظ می‌کنند. اگر چه موازنه صرفاً قدرت محور نمی‌باشد، اما ترس از قدرت در یک محیط آنارشیک، هدایت دولت‌ها را در سیستم به سمت موازنه در برابر یک‌دیگر به دنبال دارد (Ahmadian & Zare, 2011: 730). نواقع‌گرایی تهاجمی، آغاز مباحث گفتمانی خود را بر گرایش‌های تهاجمی، نیات تجدید نظرطلبانه قدرت‌ها به ویژه قدرت‌های بزرگ در سطح سیستم بین‌الملل قرار داده است و با تأکید بر شرایط آنارشیک در محیط بین‌الملل معتقد هستند که آنارشی، رقابت دائمی قدرت بین قدرت‌های بزرگ را شاهد خواهد بود. از دید آنان آنارشی دارای وضعیتی هابزی می‌باشد که امنیت در آن خیلی کمیاب است. دولت‌های ثروتمند به ایجاد ارتش‌های بزرگ روی می‌آورند، خود را درگیر مسائل خارج از مرزها می‌کنند و به دنبال افزایش نفوذ بین‌المللی خود هستند (Zakaria, 1998: 3). آن‌ها معتقدند در تأثیرگذاری بر سیستم بین‌الملل، بروندهای قدرت‌های بزرگ تعیین‌کننده می‌باشد (Kamel, 2004: 4). زکریا^۲ و مرشایمر^۳ از مهم‌ترین نظریه پردازان تهاجمی هستند (Moshirzadeh, 2009: 130). مرشایمر دلیل اصلی قدرت‌طلبی دولت‌ها را در سه مورد: ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، توانمندی‌های تهاجمی که همه دولت‌ها از آن برخوردارند و عدم

¹ The structure of the international system

² Farid Zakaria

³ John Mearsheimer

اطمینان در مورد نیت و مقاصد دشمنان بیان نموده است (Moshirzadeh, 2009: 132).

مجموع این سه مفروض، شرایطی را به وجود می‌آورند که کشورها نه تنها دغدغه موازنه قوا و حفظ قدرت را دارند، بلکه انگیزه‌ای قوی برای بیشینه‌سازی قدرت پیدا می‌کنند. در این رویکرد، بقاء هدف اصلی دولت‌هاست و آنان به دنبال حفظ تمامیت ارضی و استقلال در نظام سیاسی داخلی خود هستند. در واقع گرایشی تهاجمی، قدرت مهم‌ترین ابزار رسیدن به هدف و کسب جایگاه هژمون در نظام بین‌الملل است. واقع‌گرایان عمدتاً بر قدرت نظامی و اقتصادی تأکید می‌کنند؛ چرا که هر چه قدرت، مزیت و برتری نظامی یک کشور بر دیگران بیشتر باشد، ضریب امنیتی آن بالاتر خواهد بود (Mearsheimer, 2001). این نوع از واقع‌گرایی بیشتر بر محوریت دولت‌های بزرگ تأکید دارد، زیرا این کشورها سعی دارند با برهم‌زدن واقعیت‌های موجود در پی تغییر وضع موجود برآیند تا به اهداف خود در منطقه دست یابند.

از نظر واقع‌گرایان تهاجمی، امنیت و بقا دولت‌ها در گرو تلاش برای جلوگیری از تمرکز و انباشت قدرت است؛ چرا که انباشت قدرت و میل به هژمونی، به موازنه ختم می‌شود. دولتی که دارای قدرت بیشتری است، همیشه تهدیدآمیز به نظر می‌رسد؛ زیرا دولت‌های ضعیف‌تر هیچ‌گاه نمی‌توانند به یقین برسند که دولت قوی‌تر از قدرت خود برای تجاوز و نقض حاکمیت‌شان استفاده نکند و یا تهدیدی برای بقا و امنیت‌شان نباشد (Waltz, 1979: 58-69). زمانی که نشانه‌هایی از تلاش‌های قدرت بزرگ برای کنترل نظام بین‌الملل مشاهده می‌شود، قدرت‌های دیگر با هم متحد می‌شوند تا از طریق یک عامل تعادل‌بخش، امنیت خود را حفظ کرده و جایگاه خود را در سیستم نظام بین‌الملل حفظ نمایند؛ لذا، می‌توان گفت موازنه قوا عامل و مکانیسم اصلی ثبات در سیستم آناارشی بین‌المللی است (Mohammad Khani, 2009 : 95).

اما در برخی مواقع موازنه قوا مورد توجه واقع‌گرایان باعث ایجاد تنش‌های چشم‌گیری در مناطق مختلف شده است. خاورمیانه همان‌گونه که در مطالب فوق به آن اشاره شد؛ یکی از مهم‌ترین مناطقی می‌باشد که همواره موازنه و رقابت بین کشورهای موجود در آن و نیز دخالت قدرت‌های بزرگ باعث شده است که امنیت آن با مشکلات جدی مواجه شود. دلیل این امر آن است که خاورمیانه منطقه‌ای مهم و استراتژیک می‌باشد که از دیرباز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای نظیر ایران، عربستان و سایر قدرت‌های جهانی قرار گرفته است. وجود منابع طبیعی همچون نفت، گاز و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی راهبردی آن باعث شده این منطقه همواره مستعد مناقشه و درگیری و ائتلاف‌های متعدد برای رسیدن به منافع کشورها باشد. به همین دلیل در طول تاریخ، این منطقه با جنگ‌ها و ناآرامی‌های عدیده‌ای مواجه بوده که با منافع کشورهای مختلف جهان گره خورده است. بنابراین با وقوع بیداری اسلامی در

برخی کشورهای منطقه و گسترش دامنه آن، بسیاری از کشورهای منطقه نظیر عراق، سوریه، یمن و بحرین که مهم‌ترین کشورهای مذکور در طرح صلح خاورمیانه هستند نیز در مدار این تحول قرار گرفته و با بحرانی شدن تنش‌ها در خاورمیانه و دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، عملاً منطقه مذکور به بن‌بستی تبدیل شد که در کوتاه مدت و میان مدت چشم‌اندازی برای پایان تنش‌های موجود در بین کشورهای مستقر در این منطقه وجود نداشته باشد (Mirzadeh, 2014: 173).

امروزه پس از عملیات طوفان القصی، خلیج فارس امنیتی‌تر شده و تنش بین ایران و آمریکا باعث شده است که بحرانی جدید و جدی‌تری نسبت به قبل ایجاد شود. در ادامه این مقاله به بررسی راهبرد سیاست خارجی ایران در قبال امنیتی شدن خلیج فارس با استفاده از نظریه واقع‌گرایی تهاجمی می‌پردازیم.

۳- امنیتی شدن خلیج فارس و راهبرد سیاست خارجی ایران

امنیتی شدن خلیج فارس به معنای افزایش حضور و فعالیت‌های نظامی در این منطقه به دلایل متعددی مانند برگزاری مانورهای نظامی مشترک بین کشورهای مختلف و افزایش تولید و خرید تسلیحات نظامی توسط کشورهای حاشیه خلیج فارس است.

۳-۱- امنیتی شدن خلیج فارس و موازنه سازی نظامی ایران

با توجه به امنیتی شدن خلیج فارس در ادوار گذشته، جمهوری اسلامی ایران نیز در صدد برآمده که در برابر قدرت‌های منطقه‌ای و همچنین نیروهای نظامی آمریکا در این منطقه موازنه‌سازی کند؛ چرا که نیروهای آمریکایی با استفاده از قدرت نظامی خود و ناوهای جنگی، منطقه خلیج فارس یعنی خط قرمز دریایی ایران را بیش از پیش امنیتی کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از پهبادهای جاسوسی خود در این صدد می‌باشند که مراکز مهم و نظامی ایران را شناسایی و امنیت آن‌ها را با مشکل جدی مواجه کنند. لذا نیروی نظامی ایران در مقابل این اقدام واکنش قابل چشم‌گیری را از خود نشان داده است. نمونه این واکنش‌ها ایجاد موازنه در مقابل این اقدام‌های مذکور نظیر واژگون کردن پهباد آمریکایی در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۹ بود (Weisbord, 2019: 1-4).

از سال ۲۰۱۱ به بعد، اقدامات و تنش‌های متعدد به گونه‌ای که بتوانیم اسم آن را تنش بگذاریم، میان ایران و آمریکا به همراه متحدان منطقه‌ای آن در خلیج فارس رخ داد. با ترور اسماعیل هنیه و ارسال نیروی دریایی و نظامی به خلیج فارس توسط پنتاگون، جمهوری اسلامی ایران در صدد است میزان اقتدار و قدرت خود را در خلیج فارس تثبیت نماید و راهبرد انتقام جویی خود را با قدرت قابل مشاهده‌ای دنبال کند؛ زیرا با ورود نیروهای دریایی و ناوهای جنگی آمریکا

به این منطقه، از قدرت مانور جمهوری اسلامی ایران کاسته و یا نفوذ آن تضعیف می‌شود. در این راستا سردار تنگسیری فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران به منظور نشان دادن ایجاد موازنه در خلیج فارس، حضور ناوگان آمریکا در منطقه را تنها وسیله‌ای غیر اقتدار آفرین و دلگرم کننده برای طرف‌های مقابل به ویژه رژیم اشغال‌گر قدس ارزیابی کرد و گفت: «روزی که ما ۱۰ نیروی متجاوز آمریکایی را در ۵ مایلی جزیره فارسی گرفتیم، ۲ ناو هواپیمابر با ۱۵۰ هواپیما و ۵ ناوشکن در خلیج فارس حضور داشتند و لذا حضور این‌ها فقط برای طرف مقابل دلگرم کننده است؛ ما ابداع کننده مقاومت هستیم، ۸ سال در برابر دشمن مقاومت کردیم و ملت ایران قطعاً سرش را در برابر دشمنانش خم نخواهد کرد». نظر آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این مورد این است که نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران باید قدرت خود را در خلیج فارس بیش از هر زمان دیگر به دشمنان و رقبای منطقه‌ای نشان دهد تا در مورد اقدامات لازم به منظور انتقام اسماعیل هنیه تصمیم‌گیری شود (Marsi, 2024: 9-15)، چراکه پنتاگون بعد از ترور اسماعیل هنیه و واکنش جمهوری اسلامی ایران با حمله نظامی به رژیم اشغال‌گر قدس، اعلام کرد که ایالات متحده یک اسکادران جت جنگنده را به خلیج فارس منتقل و یک ناو هواپیمابر را در منطقه حفظ می‌کند؛ از این طریق آمریکا با حضور نظامی برای کمک به دفاع از اسرائیل در برابر حملات احتمالی ایران و نیروهای نیابتی آن، محافظت از نیروهای خود را تقویت می‌سازد. لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا بنا بر درخواست یهودیانی که قدرت تأثیرگذار قابل توجهی در قدرت سیاسی آمریکا دارند و همچنین درخواست رژیم اشغال‌گر قدس مبنی بر حمایت آمریکا از این رژیم، رزم ناوها و ناوشکن‌های اضافی با قابلیت دفاع موشکی بالستیک را به خلیج فارس ارسال کرده است و در حال انجام اقداماتی برای ارسال بیشتر سلاح‌های دفاع موشکی بالستیک دریایی به این منطقه است (Staff, 2024: 17-21).

فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام)، در صفحه فارسی خود در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) نوشت: «ناو هواپیمابر آیزنهاور توسط رزمناو دریای فیلیپین با موشک‌های هدایت‌شونده، ناوشکن گراولی با موشک‌های هدایت‌شونده (DDG-107)، ناوشکن یواس اس استتم (DDG-63) و کشتی جنگی فریگا لانگدوک (D-653) فرانسوی همراهی می‌شود».

در مقابل این اقدامات آمریکا، سردار تنگسیری اظهار داشت که نیروی دریایی ایران هنگام رویارویی رزمناو آمریکایی با قایق‌های نظامی سپاه پاسداران، چند پهپاد را به سمت آن فرستاد که باعث شد ناو آمریکایی مجبور به حرکت به سمت جنوب خلیج فارس و فرود آوردن هلی‌کوپترهایش شود (Martinez, 2024: 21-28).

وی تأکید کرد که آمریکا به خوبی می‌داند نیروهای ایران به دقت تحرک نیروهای آن را در

خلیج فارس رصد می‌کنند، منطقه را تحت کنترل دارند و نیروی دریایی سپاه پاسداران به راحتی می‌تواند این ناو هواپیمابر آمریکا را با موشک‌ها و پهپادها مورد هدف قرار دهد. ارتش ایران نیز روز سه‌شنبه تصویری از نظارت بر ناو هواپیمابر آمریکایی (USS Dwight D. Eisenhower) و کشتی‌های همراه آن هنگام عبور از تنگه هرمز منتشر کرد که توسط پهپادها ضبط شده بود. امیر سرلشکر موسوی فرمانده ارتش تأکید کرد: حضور نیروهای فرماندهی منطقه‌ای به جز ایجاد ناامنی و خسارت برای مردم و کشورهای منطقه نتیجه‌ای نخواهد داشت. به همین منظور برای ایجاد موازنه قدرت در برابر تهدیدهایی که با ارسال ناو جنگی توسط آمریکا به خلیج فارس ایجاد شده بود، نیروی نظامی جمهوری اسلامی ایران نیز به صورت یکجانبه، شناور دفاع هوایی نواب، شناور شهید سلیمانی، شناور جنگی کلاس ناصر، شناور جنگی کلاس تندر و همچنین شناور جنگی کلاس سراج را به خلیج فارس ارسال کرد و در بعد همگرایی چند جانبه به نیروهای یمنی هم پیمان خود نیز تسلیحات بروز رسانید تا آن‌ها نیز قدرت نمایی خود را در آب‌های این کشور نشان دهند و در صورت درگیری نیز استفاده نمایند (Schmitt, 2024: 5-8).

در کل، منطق سیاست خارجی در جمهوری اسلامی این است که با توان هر چه بیشتر، بازدارندگی خود در خاورمیانه برای جلوگیری از چیرگی اسرائیل بر منطقه را به زمان قبل از ترور هنیه بازگرداند. ضمناً این بازدارندگی باید به شکلی باشد که به یک تنش بزرگ تبدیل نشود؛ یعنی هم باید به نوعی قدرت نمایی و موازنه‌سازی کند و هم باعث تشدید تنش نشود؛ زیرا با استقرار دولت جدید در ایران (دولت پزشکیان)، نگاه جدیدی برای تعدیل سیاست خارجی و احیای کانال مذاکرات با غرب ایجاد شده است؛ اما اسرائیل بازی سیاسی ایران را دقیقاً آنالیز می‌کند. نتانیاهو می‌داند که دولت جدید در ایران اولویت خود را احیای برجام و عدم فعال‌سازی مکانیسم ماشه می‌داند و آن را دنبال خواهد کرد. بنابراین استراتژی اسرائیل خرابکاری در روند اجرای سیاست تعدیلی جدید ایران است؛ یعنی حرکت انتحاری اسرائیل (ترور هنیه) برای ضربه زدن به تهران با هدف بزرگ‌تر و عمیق‌تر سیاسی انجام شده است؛ چراکه اسرائیل می‌توانست هنیه را در ترکیه یا قطر ترور نماید.

در رابطه انتقام ترور هنیه، برخی تحلیل‌گران بر این اعتقاد بودند که تهران نباید به ترور اسماعیل هنیه پاسخ نظامی مستقیم دهد. آنان معتقد بودند که این پاسخ روند سیاست‌های تعدیلی را با چالش عینی روبه‌رو می‌کند؛ چراکه اسرائیل بدنبال کشاندن ایران به جنگ برای ناکام گذاشتن ابتکارات سیاسی است. برخی دیگر نیز معتقد بودند که تعدیل میدان نیز به معنای چیرگی اسرائیل بر جبهه مقاومت و در نتیجه بی‌اثر شدن مذاکرات صلح فلسطین و حتی مذاکرات ایران با غرب است. به عبارتی تشدید تنش نظامی با اسرائیل روند مذاکرات و تعدیل سیاست خارجی را مختل

می‌کند (هدفی که اسرائیل با ترور هنیه در ایران داشت) و از سوی دیگر تعدیل میدان، یعنی کاهش تنش در جبهه نبرد نیز اسرائیل را بر محور مقاومت چیره می‌سازد و اساساً مذاکره و جایگاه آن از حیز انتفاع می‌افتد. این دور باطلی است که اسرائیل سعی می‌کند ایران را در آن گرفتار کند. به این ترتیب اگر پاسخی از ایران رخ ندهد، موازنه قدرت به نفع اسرائیل تمام می‌شود و اگر پاسخ را دریافت کند، با زنجیره‌ای از تنش دامنه‌دار روبه‌رو خواهد شد. در واقع ایران در پیچیده‌ترین شرایط ممکن قرار دارد و همین امر تشخیص و تصمیم را برای تهران بسیار سخت کرده است. در این راستا، تهران نیز از یک سو، هم‌پیمانان خود در یمن، عراق، لبنان و سوریه را به منظور کنترل مناطق دریایی خود و جلوگیری از توسعه‌طلبی دریایی کشتی‌های جنگی حامی اسرائیل آماده کرد و از سوی دیگر به تهدید حملات تلافی‌جویانه به آمریکایی‌های حاضر در این کشورها پرداخت تا در صورت ایجاد درگیری، عمده درگیری به جمهوری اسلامی ایران تحمیل نشود.

۳-۲- امنیتى شدن خلیج فارس و نفوذ ایران در منطقه

با گسترش فضای امنیتی در خلیج فارس، ایران طرح پیشنهادی خود را به منظور توسعه نفوذ و همچنین از بین بردن تنش‌های منطقه‌ای به همسایه‌های خود ارسال کرد. در مقابل کشورهای منطقه‌ای از جمله عربستان به عنوان رهبر ائتلاف عربی علیه ایران، ضمن توجه به کم‌رنگ شدن چتر حمایتی آمریکا از آن‌ها در صدد برآمدند که همکاری با تهران را به منظور حل کردن معضلات امنیتی منطقه مانند بحران یمن، سوریه و همچنین تنش‌های خلیج فارس را در دستور کار دستگاه دیپلماسی خود قرار دهند (Tooss sina, 2019: 3-7)؛ لذا به کشورهای این منطقه از جمله امارات به منظور ایجاد یک امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس پیشنهاد همکاری داد و امارات که تا آن زمان تحت تأثیر سیاست خارجی آمریکا بود از پیشنهاد ایران حمایت و استقبال نمود. این به معنای استفاده از نفوذ و قدرت منطقه ایران در مقابل امنیتی شدن خلیج فارس است (Nasr, 2018: 2-3).

بنابراین جمهوری اسلامی ایران با توجه به افزایش چشم‌گیر تنش‌های سیاسی و امنیتی با رژیم صهیونیستی در صدد برآمد بیش از هر زمان دیگری از نفوذ خود استفاده کند تا بتواند قدرت خود را به عنوان رهبر محور مقاومت نشان دهد. در این راستا تهران هماهنگی‌های لازم با نیروهای نظامی در عراق و سوریه را انجام داد تا با موازنه‌سازی، قدرت بازدارندگی خود را در منطقه افزایش دهد.

حملات گروه‌های مقاومت که مواضع ایالات متحده را هدف قرار می‌دادند، می‌توانست توجه و منابع ایالات متحده را از شناسایی و رهگیری پرتابه‌های به مقصد اسرائیل و نیروهای ضد ایرانی حاضر در خلیج فارس دور کند و آمریکا ناگزیر می‌شد به جای رژیم صهیونیستی، بیشترین توجه

خود را معطوف به دفاع از نیروهای خود در برابر حملات محور مقاومت کند. به لجاظ راهبردی هرچه قدر سواحل عراق، سوریه و یمن برای نیروهای آمریکایی و کشتی‌های جنگی حامی اسرائیل ناامن می‌شد، موازنه قدرت نظامی و دریایی تهران تقویت می‌گردد (gambrell, 2024: 9-12).

۳-۳- امنیت شدن خلیج فارس و دکترین دفاع نامتقارن ایران

در توضیح دفاع نامتقارن ابتدا باید این توضیح را مطرح کرد که از آنجایی که قدرت نظامی ایران در برابر آمریکا به صورت مستقیم و برابر نیست به همین منظور مقامات جمهوری اسلامی ایران در برابر امنیتی شدن خلیج فارس در صدد بودند که در صورت هرگونه حمله نظامی به ایران، به پایگاه‌های نیروی‌های آمریکایی در منطقه حمله موشکی داشته باشند (Schmitt, 2019: 1-5). به همین منظور جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد که ابتدا تمامیت ارضی و قدرت دریایی خود را در خلیج فارس در برابر هرگونه تعرض کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آن حفظ کند؛ لذا مقامات نظامی تهران مکرراً بیان داشتند که در صورت حمله نظامی به ایران، رژیم صهیونیستی به هزینه‌های هنگفتی مواجه خواهد شد. همگرایی و دفاع نامتقارن بهترین راهبرد برای مقامات تهران به منظور مقابله نظامی با واشنگتن بود؛ چرا که با این وجود بیشترین ضربه و کمترین هزینه را دریافت می‌کردند. به این واکنش در اصطلاح دفاع نامتقارن می‌گویند. جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس بعد از جنگ تحمیلی در صدد عملی کردن آن بوده است. با توجه به نقشه زیر (شکل ۱) که میزان نفوذ تهران در خلیج فارس به نمایش گذاشته شده است، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد که از میزان نفوذ نیروهای نظامی خود در خلیج فارس استفاده کند تا میزان ضعف تسلیحاتی و نظامی خود را در خلیج فارس کاهش دهد (lolitec, 2019: 2-6).

تصویر-۱. اهرم فشار ایران بر تنگه هرمز



(Motamedi, 2024: 4-7)

این نقشه میزان نفوذ ایران در خلیج فارس را نشان می‌دهد که در چارچوب سیستم دفاع نامتقارن ایجاد شده است. دفاع نامتقارن با توسعه درگیری و تنش نظامی بین رژیم صهیونیستی و حماس از یک سو و با شروع حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس بعد از جنگ عراق از سوی دیگر، مورد توجه جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. ایران با استفاده از راهبرد دفاع نامتقارن به خوبی دریافته است که در یک جنگ کلاسیک، میدان نبرد را به رقیب قدرتمند واگذار خواهد کرد، بدون اینکه بتواند از اقدامات آن‌ها جلوگیری نماید. بنابراین فرماندهان سپاه در عرصه جنگ دریایی از راهبردی غیرمعارف استفاده کرده و به جنگی نامتقارن روی آوردند. هدف آن‌ها افزایش توان بازدارندگی ایران در برابر آمریکا بود که با محاسبات کلاسیک نظامی مبتنی بر میزان تسلیحات و جنگ‌افزارها به دست نمی‌آمد، بلکه از اراده معطوف به اقدام و ضربه زدن غافلگیرانه به نیروی دشمن حاصل می‌شد (Motamedi, 2024: 2).

فرماندهان آمریکایی و صهیونیستی باید به این نتیجه می‌رسیدند که اقدامات ایران در جنگ دریایی، رو در رو و آشکار نیست؛ همچنین امکان ضربه زدن به هدف مشخص توسط ایران به شدت زیاد بوده، مکان و زمان آن نامعلوم است و از ابزار مشخصی نیز استفاده نمی‌شود. این راهبرد که در راستای بهره‌گیری از آسیب‌پذیری‌های دشمن انتخاب شده بود، می‌توانست نقطه ضعف‌های ایران را به نقطه قوت تبدیل کند و در اراده دشمن برای حضور در منطقه و مقابله با ایران، خلل وارد کند. این مسئله در نبرد دریایی به منظور دفاع مشروع برای انتقام از ترور اسماعیل هنیه مورد توجه جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. به همین منظور ایران با استفاده از میزان همگرایی که با کشورهای ساحلی یعنی لبنان، سوریه، یمن و... دارد به دنبال این بود در صورت درگیری نظامی در خلیج فارس به صورت نامتقارن از منافع و نیروهای نظامی مستقر خود با قدرت بیشتری دفاع کند و ضربه قاطع و غافل‌گیرانه‌ای را به نیروهای دشمن وارد نماید.

۳-۴- امنیت شدن خلیج فارس و گسترش همکاری با روسیه

در ادوار گذشته با امنیتی شدن خلیج فارس، دو کشور روسیه و ایران همکاری‌های خود را در ابعاد گوناگون توسعه داده‌اند. دو کشور تهدیدهایی که آمریکا برای منطقه دارد را به خوبی شناسایی کرده و همواره در صدد مدیریت آن‌ها بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین محورهای همکاری دو کشور تهدید مشترک آمریکا بوده است. تحریم یکجانبه ایران توسط آمریکا باعث شده که در داخل ایران احساسات ضد آمریکایی افزایش و قسمتی از جامعه سیاسی ایران را بر آن داشت تا برای دور زدن تحریم‌های آمریکا، به سمت گسترش همکاری با شرق به ویژه روسیه سوق پیدا کنند و همکاری‌های سیاسی خود را با این کشور حتی با کاهش تنش‌ها در سوریه توسعه دهند (Czulda, 2019: 2-8).

روسیه و ایران روابط نظامی خود را برای رفع چالش مشترک یعنی هژمونی ایالات متحده در خاورمیانه توسعه داده‌اند. در این راستا، وزارت دفاع روسیه و ستاد کل نیروهای مسلح ایران در سن پترزبورگ، تفاهم نامه‌ای را امضا کردند که به دنبال گسترش روابط نظامی بین دو کشور است. خانزادی در این مورد بیان کرد که «این نخستین یادداشت تفاهم ممکن است نقطه عطفی در روابط نظامی تهران در مسکو در طول مسیر دفاعی تلقی شود. البته ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که گسترش فضای نظامی در خلیج فارس بر نیاز ایران به توسعه روابط نظامی با روسیه دامن زده و در همین راستا همکاری‌ها و تفاهم نامه‌های نظامی امضاء شدند» (Suchkov, 2019: 2-3).

با متشنج شدن فضای سیاسی-امنیتی خلیج فارس، ایران در صدد برآمد که یک مانور نظامی جدیدی در خلیج فارس و تنگه هرمز برگزار کند. نقطه عطف و مهم آن، دعوت از روسیه و چین به عنوان دو ابر قدرت در عمان و اقیانوس آرام برای شرکت در مانور مشترک نظامی بوده است. در این بین مقامات دولت ایران بیان داشتند که همکاری با روسیه و چین در خلیج فارس در تاریخ انقلاب اسلامی بی‌سابقه است. این اولین همکاری بین طرفین بود و چنین رزمایش نظامی، بکرترین اقدام بین کشورهای مذکور است؛ چرا که آمریکا بیان داشت که در صدد تقویت سیستم‌های دفاعی و هجومی کشورهای منطقه علیه ایران به منظور نفوذ در آب‌های خلیج فارس می‌باشد. در مقابل این اقدام، روسیه، چین و ایران همکاری نظامی خود را به منظور تقویت سیستم دفاعی ایران برای مدیریت هرگونه منازعه احتمالی در خلیج فارس توسعه دادند. ایران نیز برای افزایش سطح بازدارندگی خود در صدد برآمد از طریق روسیه و چین یک ائتلاف نظامی در خلیج فارس ایجاد کند (tomo, 2019: 2-6).

با امنیتی شدن فضای حاکم بر خلیج فارس پس از حمله ایران به رژیم صهیونیستی به علت انتقام ترور هنیه، مسکو در صدد برآمد جایگاه سیاسی خود را به عنوان یک قدرت فرا منطقه‌ای ارتقا دهد. در این راستا، با رهبران حماس در طول جنگ دیدار کرد و همچنین در ژانویه میزبان مقامات کلیدی حماس و فتح با هدف میانجی‌گری در وحدت فلسطین بود و در عین حال تلاش کرد همکاری‌های مشترک نظامی خود را با ایران توسعه دهد (Wintour, 2024: 4-12)؛ لذا در ۶ آگوست، سرگئی شویگو دبیر شورای امنیت روسیه برای دیدار با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور منتخب ایران و گفتگو درباره تقویت روابط دوجانبه و همکاری‌های گسترده‌تر به تهران سفر کرد. وی ترور اسماعیل هنیه را مخالف با نظام بین الملل و حقوق بشر اعلام نمود و بر همکاری دو جانبه در ابعاد مختلف در خلیج فارس تأکید کرد (Wintour, 2024: 4-12).

با افزایش خطر گرفتار شدن تهران در جنگ با اسرائیل، روسیه به تأمین تسلیحات دفاعی ایران ادامه داد. بنا بر گزارش مقامات ایرانی، مسکو مجموعه‌ای از تجهیزات نظامی از جمله رادارها و

سامانه‌های دفاع هوایی را به تهران فرستاد تا اولاً از روابط خود با تهران که یک شریک نظامی مهم برای روسیه در خاورمیانه است، محافظت کرده (Fenton, 2024: 6) و ثانیاً از توان موشکی و پهبادی ایران در جنگ علیه اوکراین بهره برداری کند. لازم به ذکر است که یک بعد دیگر همکاری و همگرایی، استفاده از دیپلماسی نرم به منظور کاهش تنش در منطقه است. مسکو بعد از بحران سوریه قدرت منطقه‌ای خود را با همکاری‌های یاد شده توسعه داده و از هرگونه تنش مجدد نظامی و سیاسی در منطقه جلوگیری کرده است. با ترور اسماعیل هنیه مسکو در صدد برآمد که طرفین تنش را به مصالحه دعوت کند و از رویارویی مستقیم تهران و تل‌آویو جلوگیری نماید؛ چرا که مقامات سیاسی و بلند پایه روسیه به این مسئله واقف بودند که بعد از ترور اسماعیل هنیه اوضاع امنیتی منطقه به سمت تنش مجدد سوق یافته و ممکن است با ایجاد هرگونه درگیری نظامی، جنگ تا سالیان طولانی ادامه‌دار شود. این مهم به نوبه خود ممکن بود منافع مسکو در ابعاد گوناگون را با مشکلات جدی مواجه نماید؛ لذا این کشور ضمن میانجی‌گری بین طرفین تنش در خلیج فارس، در صدد برآمد همکاری‌های خود را در چارچوب رابطه دوجانبه با جمهوری اسلامی ایران توسعه دهد.

۳-۵- امنیت شدن خلیج فارس و همکاری با چین

چین به مانند روسیه و ایران یکجانبه‌گرایی آمریکا در ابعاد گوناگون را به چالش می‌کشد؛ لذا با توسعه فضای امنیتی در منطقه، مقامات ایران در این صدد هستند که مانور نظامی خود را با حضور چین که دیدگاه مشترک و واحدی نسبت به آمریکا دارند به انجام رسانند. در این رابطه غدیر نظمی پور، رئیس امور بین الملل و دیپلماسی دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح ایران بیان داشت که: «این تمرینات اهداف متفاوتی دارند، از جمله تبادل تجربیات تاکتیکی و نظامی و سه کشور به دنبال اهداف سیاسی هستند که نوعی همگرایی بین شرکت کنندگان را نشان می‌دهد» (Pinghui, 2019: 2).

در مارس ۲۰۲۴، ایالات متحده از قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد درگیری در غزه حمایت کرد که در نگاه اول به نظر می‌رسد حمایت دولت چین را به دست آورده است. این پیش‌نویس به دنبال «آتش‌بس فوری و پایدار» بین اسرائیل و حماس بود که مقامات پکن به منظور کاهش تنش در خاورمیانه این مسئله را تأیید کردند؛ اما نه به معنای تأیید سیاست‌های منطقه‌ای کاخ سفید، بلکه به معنای کاهش تنش و جلوگیری از درگیری نظامی مجدد در غرب آسیا صورت گرفت. ژانگ جون، نماینده دائم جمهوری خلق چین در سازمان ملل متحد، این مسئله را مورد تأکید قرار داد که ایالات متحده با ایجاد قطعنامه‌های حقوقی معتدد که به منظور محکوم کردن اقدامات حماس به سازمان ملل ارائه می‌دهد؛ در صدد است به اسرائیل چراغ سبز

خود را به منظور قتل و عام فلسطینیان در کنار حمایت‌های بین‌المللی نشان دهد. زمان و مکان ترور اسماعیل هنیه برای خود چینی‌ها علامت سؤال‌های زیادی مطرح کرد؛ بالأخص آن که این ترور در میانه تلاش‌های دیپلماتیک پکن برای دستیابی به توافق صلح در سطحی وسیع تر انجام شد. پکن تا پیش از ترور اسماعیل هنیه به واسطه میزبانی از رهبران فتح و حماس و زمینه‌سازی برای تحقق صلح میان دو گروه، تلاش داشت تا میدان را برای مانورهای بعدی گسترده کرده و جهت نقش آفرینی در آتش بس، توقف جنگ در غزه و آزادی گروگان‌ها خیزی جدی بردارد. اما ترور هنیه نه تنها رایزنی‌ها برای صلح را به شکلی منفی تحت تأثیر قرار داد، بلکه خاورمیانه را وارد عصری تازه از بی‌ثباتی کرد؛ به طوری که این احتمال می‌رفت که ترور اسماعیل هنیه در بلندمدت تلاش‌های دیپلماتیک چین برای برقراری صلح در خاورمیانه بالأخص میان تهران و ریاض را نیز به شکلی منفی تحت تأثیر قرار دهد (Schuman, 2024: 6-8).

تحلیل‌گران چینی می‌گویند که اسرائیل با ترور اسماعیل هنیه توپ را در زمین آمریکا انداخت تا از این بازیگر بخواهد برای مهار تنش‌ها وارد خاورمیانه شود؛ گزاره‌ای که در راستای منافع واشنگتن نبوده است. با ترور اسماعیل هنیه مذاکرات برای صلح پایدار میان فلسطین و اسرائیل مسیر دشواری را طی کرد و با وجود آتش بس میان رژیم صهیونیستی و حماس به میانجی‌گری آمریکا، همچنان صلح شکننده در منطقه وجود دارد و همچنان حملات این رژیم در نقض آتش بس و کشتار مردم غزه ادامه دارد. بنابراین با متشنج شدن فضای سیاسی و امنیتی منطقه، دولت مردان چینی نیز با وجود نقش میانجی‌گری خود بین اسرائیل و ایران، تلاش کردند که نفوذشان را در کنار توسعه همگرایی با روسیه و ایران در خلیج فارس و خاورمیانه توسعه دهند تا از این طریق بتوانند وزن سیاسی خود را در منطقه تقویت نمایند.

نتیجه‌گیری

سیر حوادث پس از ترور اسماعیل هنیه نشان داد استراتژی اسرائیل، خالی کردن خاورمیانه از نیروهای جبهه مقاومت در فلسطین، سوریه، لبنان، عراق و یمن با گزینه نظامی است و از آن به عنوان نظم نوین یاد می‌کند. از آنجایی که ادامه جنگ به نفع ادامه حیات سیاسی نتانیاها و شاید رژیم صهیونیستی بود، محاسبات استراتژیک اسرائیل تغییر کرد و منجر به تمایل تازه‌ای برای انجام اقدامات جسورانه‌تر و پذیرش ریسک‌های بزرگ‌تر شد و با حملات دقیق و هدفمند، هزینه‌های سنگینی را (بدون این که درگیر جنگی تمام عیار با این کشورها شود) بر حزب‌الله با به شهادت رساندن سید نصرالله رهبر این گروه و سایر فرماندهان عالی رتبه آن و همچنین سوریه پس از سقوط اسد تحمیل کرد. افسار گسیختگی بی‌حد مرز این رژیم بعد ترور هنیه، در نهایت به انتقام

ایران در قالب عملیات وعده صادق ۲ در اول اکتبر ۲۰۲۴ با پرتاب حدود ۲۰۰ موشک بالستیک به برخی مراکز فرماندهی آن انجامید و در پاسخ رژیم صهیونیستی نیز در ۲۶ اکتبر موجی از حملات هوایی به برخی سایت‌های پدافندی و تولید موشک ایران انجام داد. احتمال تداوم چرخشی این حملات موجی از نااطمینانی را در منطقه ایجاد کرد و منجر به حضور گسترده ناوهای جنگی آمریکا در مدیترانه و خلیج فارس شد. این شرایط بیش از پیش بر فضای امنیتی منطقه دامن زد تا اینکه در نهایت در مارس ۲۰۲۵ با میانجی‌گری مصر، قطر و آمریکا آتش بس بین حماس و رژیم صهیونیستی بعد از فروریختن ده هزار بمب بر روی ساکنان غزه و کشتن بیش از ۵۰ هزار نفر از ساکنان این منطقه برقرار گردید.

رژیم صهیونیستی تلاش کرد با ترور اسماعیل هنیه در اولین روز کاری دولت پزشکیان، مانعی جدی را در مسیر مذاکرات احتمالی دولت جدید ایران با ایالات متحده ایجاد نماید. رژیم صهیونیستی با آنالیز بازی سیاسی ایران تلاش کرد با این ترور، روند سیاست تعدیلی دولت جدید ایران که از سرگیری مذاکرات برجام و تنش زدایی در روابط خارجی را محور سیاست خارجی خود قرار داده بود، تحت تأثیر دهد و این انگاره را در میان مقامات ایران تقویت کند که این ترور با حمایت دولت بایدن صورت گرفته است. جمهوری اسلامی ایران با انتقام ترور هنیه، تلاش کرد میزان قدرت خود و سطح بازدارندگی خود را در منطقه به نظام بین الملل مخابره کند و نشان دهد که حاکمیت سیاسی خود را با هیچ کشوری چه دوست و دشمن معامله نخواهد کرد. اما مهم‌ترین اقدامی که جمهوری اسلامی ایران بعد از ترور اسماعیل هنیه انجام داد توسعه نفوذ همه جانبه خود در خلیج فارس، همکاری و کمک هرچه بیشتر به نیروهای محور مقاومت و گسترش همکاری نظامی و سیاسی تهران با کشورهای چین و روسیه بود. مضاف بر این در اقدامی بسیار هوشمندانه، جمهوری اسلامی ایران با خویشتن‌داری مانع از آن شد تا در دام جنگ طلبی رژیم صهیونیستی بیفتد؛ لذا با آغاز مذاکرات غیر مستقیم با آمریکا بر سر فعالیت‌های هسته‌ای خود و پیشرفت‌های خوبی که به اذعان دو طرف در مسیر مذاکرات حاصل شده است، امید نتانیاهو در کشاندن پای آمریکا به جنگ با ایران را به یأس تبدیل نمود.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

- Abdullah Khani, A. (2004). International Security Book 1: Opportunities, Threats and Challenges Facing the National Security of the Islamic Republic of Iran, Tehran: *Abrar Institute of Contemporary International Studies and Research, Tehran, First Edition.* [In Persian]
- Ahmadian, H. and Zare M. (2011). "Saudi Arabia's Strategy Against the Uprisings of the Arab

- World", *Quarterly Journal of Policymaking*, Year 2, Issue 2, pp. 75-97. **[In Persian]**
- Baldor L. (2019). "US bolsters Saudi defense against Iran with jets, missiles". Available in: <https://apnews.com/026e49c486234382850eb49d4361b108>. Access on: 11, October, 2019.
- Binar F.K. (2024). "Haniyeh's Killing Could Boomerang and Help Iran". Available in: <https://www.stimson.org/2024/haniyehs-killing-could-boomerang-and-help-iran>. Access on: 8, August, 2024
- Connor T. (2019). "CAN IRAN GET CHINA AND RUSSIA'S MILITARY SUPPORT? U.S. RIVALS PLAY CAUTIOUS GAME NEAR WORLD'S MOST IMPORTANT OIL ROUTE". Available in: <https://www.newsweek.com/iran-russia-china-military-support-ties-1460850>. Access on: 9/23/2019.
- Cook, S. (2019). "Iran Owns the Persian Gulf Now. The Trump administration's nonresponse to Iranian aggression has sent an unmistakable message". Available in: <https://foreignpolicy.com/2019/08/01/iran-owns-the-persian-gulf-now>. Access on: 1, August, 2019.
- Dougherty, J. & Faltzgraf, R. (2009). "Conflicting Theories in International Relations", *Translated by Vahid Bozorgy and Alireza Tayyeb, Qoms Publications, Fifth Edition. [In Persian]*
- Fenton-Harvey J. (2024). "Russia's balancing act in the Middle East amid growing tensions". Available in: <https://www.newarab.com/analysis/russias-balancing-act-middle-east-amid-growing-tensions>. Access on: 12, August, 2024.
- Gambrell, j. (2024). "What Iran's attack against Israel could look like with the support of regional allies". Available in: <https://apnews.com/article/israel-hamas-war-iran-yemen-houthis-lebanon-hezbollah-2bf649b0127edf6c65d08e6b68aa3695>. Access on: 6, August, 2024.
- Kamel, R. (2004). "Introduction to Aggressive Realism", *Negah Monthly*, Year 4, Issue 38. **[In Persian]**
- Marsi, F. (2024). "Israel war on Gaza updates: Fears of escalation grow after Haniyeh killing". Available in: <https://www.aljazeera.com/news/liveblog/2024/7/31/israels-war-on-gaza-live-israel-hits-beirut-in-assassination-operation?update=3082945>. Access on: 31, Jul, 2024
- Martinez, L. & Seyler, M. (2024). "US sends more fighter jets and ships to Middle East ahead of possible Iranian retaliation". Available in: <https://abcnews.go.com/Politics/us-sends-fighter-jets-ships-middle-east-ahead/story?id=112526711>. Access on: 3, August, 2024.
- Mearsheimer, JJ. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*, New York: Norton.
- Mirzadeh Kouhshahi, M. (2014), "The Strategy of the Islamic Republic of Iran Towards the Syrian Crisis; Scenario and Consequences" *Sacred Defense Research Journal*, Year 3, Issue 11, Fall 2014. pp. 171-188. **[In Persian]**
- Mohammad Khani, A. (2009). "Explanation of the New Realist Approach in International Relations", *Political Studies Quarterly*, Volume 1, Issue 3. **[In Persian]**
- Moshirzadeh, H. (2009). *Development in the Theories of International Relations*, Tehran, Samat Publications. **[In Persian]**
- Motamedi, M. (2024). "Ismail Haniyeh assassination: How will Iran respond?". Available in: <https://www.aljazeera.com/news/2024/7/31/ismail-haniyeh-assassination-how-will-iran-respond>. Access on: 31, Jul, 2024.
- Mughrabi, NA. & Hafezi, P. (2024). "Killing of Hamas chief in Iran stirs fears of retaliation". Available in: <https://www.reuters.com/world/middle-east/hamas-chief-ismail-haniyeh-killed-iran-hamas-says-statement-2024-07-31>. Access on: 1, August, 2024.
- Nasr, V. (2018). "Iran Among the Ruins Tehran's Advantage in a Turbulent Middle East". Available in: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2018-02-13/iran-among-ruins>. Access on: 3, April, 2018.
- Pinghui, Z. (2019). "China, Russia, Iran 'plan joint naval drill in international waters'". Available in: <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/article/3029819/china-russia-iran-plan-joint-naval-drill-international-waters>. Access on: 21, Sep, 2019.
- Schmitt, E. (2019). "U.S. Commander Warns of Iranian Attack in Middle East". Available in:

<https://www.nytimes.com/2019/11/23/world/middleeast/iran-attacks-mckenzie.html>.
Access on: Nov. 23, 2019.

- Schmitt, E. & Cooper, H. (2024). "U.S. to Send More Combat Aircraft and Warships to MiddleEast, Officials Say". Available in: <https://www.nytimes.com/2024/08/02/world/middle-east/us-iran-israel-aircraft.html>. Access on: 3, Aug, 2024.
- Shafiei, S, Montazer-e-Qa'im, A, Chalunger, M. (2017). "Analysis of the Relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in the First Decade after the Victory of the Islamic Revolution of Iran." *Historical Research Quarterly*, Volume 9, Issue(1). **[In Persian]**
- Schuman, M. (2024). "China's Middle East policy shift from "hedging" to "wedging". Available in: <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/report/chinas-middle-east-policy-shift-from-hedging-to-wedging>. Access on: 5, September, 2024.
- Staff, T. (2024). "US sending more fighter jets and warships to Mideast amid threats from Iran-led axis. Pentagon announces it will also keep an aircraft carrier in the region; TV report says Israel is close to reprising the coalition that helped defend against Iranian attack in April". Available in: <https://www.timesofisrael.com/us-sending-more-fighter-jets-and-warships-to-mideast-amid-threats-from-iran-led-axis>. Access on: 3, August, 2024.
- Suchkov, M. (2019). "Intel: How Russia is deepening military ties with Iran to counter the us". Available in: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2019/07/intel-russia-deepening-military-ties-iran-counter-us.html>. Access on: 30, July, 2019.
- Tooss, S. (2019). "Iran Is Winning the Battle for the Middle East's Future". Available in: <https://foreignpolicy.com/2019/10/24/iran-is-winning-the-battle-for-the-middle-east-future>. Access on 24, : OCTOBER, 2019
- Walt, S. M. (1979). Testing Theories of Alliance Formation: The Case of Southwest Asia, *International Organization*, Vol. 42, No. 2.
- Wintour, P. (2024). "Putin reportedly calls for Iran to limit damage in any retaliation against Israel". Available in: <https://www.theguardian.com/world/article/2024/aug/06/putin-reportedly-calls-for-iran-to-limit-damage-in-any-retaliation-against-israel>. Access on: 6, Aug, 2024.
- Yazdanfam, M. (2007). "Changes in the Theories and Concept of International Security", *Strategic Studies Quarterly*, No. 38. **[In Persian]**